

می تواند بکند این است که معاونت های غیر ضروری و اضافی وزارتخانه ها را حذف کند. اینها بیش از شاید ۲۰ یا ۳۰ معاونت باشند که کارکرد عملیاتی در دولت ندارند و فقط یک بخش اضافی بوروکراتیک هستند. چون اینها در ذیل وزارتخانه ها هستند، انحلال آنها نیاز به مصوبه مجلس ندارد و با اختیار دولت قابل انجام است. مثلاً اگر در وزارت کشور، معاونت های غیر ضروری حذف شوند، متناظر اینها در استان ها و شهرستان ها هم حذف می شوند و حجم بزرگی از بوروکراسی اضافی از بین می رود. برای خیلی از این معاونت ها دارند کاری می کنند که توسط دستگاه های دیگر هم در حال انجام است.

### ■ به نظرتان سال پایانی عمر دولت برای چنین اقداماتی قدری دیر یا نامناسب نیست؟

این کارها اتفاقاً اواخر دولت قابل انجام است. چون ابتدای دولت ها معمولاً افراد سهم می خواهند و دنبال مسئولیت هستند و کار خیلی سخت تر است. اما در پایان دولت آنقدرها انگیزه ماندن وجود ندارد و حذف برخی پست ها با مقاومت به مراتب کمتری صورت می گیرد. من به جهت وضعیت سال آخر دولت این پیشنهاد را دارم، چون در این موقعیت با شرایطی که داریم و همه مطلع هستند، فقط این دست کارها را ممکن می دانم. ضمن اینکه این کارها را استراتژیک می دانم و اساساً تأثیرات بسیار بلندمدتی خواهد داشت و بخشی از مشکلات ساختاری را مرتفع می کند.

### ■ در مورد قانون برنامه چه؟ آیا فکر نمی کنید اصلاحات مدنظر شما مقاومتی در سطح دستگاه های ذی ربط به دنبال داشته باشند؟ از این حیث آیا اساساً انجام پذیر هستند؟

درباره بحث اصلاحات قانون برنامه اخیراً در سازمان برنامه جلسهای بود و همین مسأله را آنجا مطرح کردم که برخی از دوستان خود این سازمان نه تنها موافق بودند بلکه می گفتند که سه تا سه فصل هم زیاد است و برای کل برنامه توسعه در هر دوره ۵-۶ تا سه فصل اصلی کفایت می کند. یعنی خود کارشناسان آنجا هم از پیشنهادی که من می گویم فراتر رفته بودند و الان موقعیت تاریخی مناسب برای انجام این تغییر است. من این را هم بگویم که اطلاع دارم پیشنهادی که عنوان کردم حدود ۲۰ سالی هم در بدنه اجرایی کشور سابقه دارد که روی آن بحث می شود. دولت اگر موقعیت این سال آخر را از دست بدهد برای انجام این پیشنهاد چندین سال دیگر را هم از دست خواهیم داد. این میراثی است که برای دولت بعد می ماند، هم قانون برنامه را سبک و خلاصه می کند و هم باعث می شود نظارت بر اجرای آن بهتر قابل انجام باشد.

■ فارغ از اینها آیا در حوزه اجرایی و ناظر به فعالیت هایی که تأثیر مستقیم تری بر زندگی مردم بگذارند، اقدامی هست که دولت بتواند انجام دهد؟ دولت امسال قدری در حقوق های بازنشستگان و کارمندان تجدیدنظر کرده و اینها قدری بیشتر مورد حمایت قرار گرفتند. اما یک بخشی در جامعه ما هستند که بخش غیر مزد و حقوق بگیر هستند. این بخش جزو همان قانون «ساختار رفاه و تأمین اجتماعی» می شود که قبلاً خدمت شما عرض کردم و گفتیم از سال ۸۳ معطل آیین نامه های اجرایی اش

است. باید برای این بخش تدبیری اندیشید و راه آن هم این است که همان قانون مورد اشاره اجرا شود. بخشی از این طیف غیر مزد و حقوق بگیر، دستشان به دهانشان می رسد و حتی خودشان کار فرما هستند. ولی بخشی از اینها که عدد بزرگی هم می شوند و قابل توجه هستند، باید مورد توجه قرار بگیرند. آماری که در خاطر من هست در این طیف یک میلیون خانوار نیازمند به کمک داریم. دولت با اجرای آن قانون می تواند به یاری اینها بشتابد.

### ■ نقش کمیته امداد و بهزیستی در این میان چه می شود؟

اینها جدای از آنها هستند که زیر پوشش دستگاه هایی مثل بهزیستی یا کمیته امداد می باشند. این قشری است که صدایش کمتر به جایی می رسد. آمار اینها در وزارت رفاه موجود است و می تواند به صورت هدفمند با اجرای قانون ساختار رفاه و تأمین اجرایی، به اینها کمک کند.

### ■ در شرایط تلاقی کرونا و تحریم به نظر می رسد کشور نیازمند یک امید آفرینی در کف جامعه است.

اما قشر غیر حقوق و مزد بگیر مانده اند و تعدادشان هم روبه افزایش است. الان در این شرایط برای سال پایانی دولت کارهای توده ای و فراگیر جواب نمی دهد که دولت بخواهد اقدامی کند که آثار خیلی گسترده داشته باشد. یعنی اصلاً امکانش نیست.

### ■ نهایتاً اگر بخواهید به اقدامات مثبت دولت آقای روحانی اشاره کنید، چه مواردی را بر می شمرد؟

دولت پیش از اندازه مورد تعرض قرار گرفته و در جاهایی مسئول کارهایی شده که مسئول آنها نیست. تأثیر کارهای دولت در آینده مشخص خواهد شد. ببینید مسأله این دولت این بود که کارهای خوبی را شروع کرد اما خیلی ها به پایان نرسید. مهمترین آن برجام بود. دولت در اکثر اینها کار خودش را درست انجام داد اما شرایط و عوامل دیگری باعث عدم تحقق این برنامه ها شدند. در حوزه سرمایه گذاری ها، شتاب دادن به تولید و امثال اینها. انتقاد می کنند که دولت نمی بایست تمام تخم مرغ هایش را در سبد برجام بچیند. شاید این از منظری درست باشد اما در کلیت دولت راه و چاره ای جز این نداشت. باین گره در

**به نظرم دولت برنامه هفتم توسعه را تا پایان سال تدوین کند و به مجلس بدهد. کسانی که قصد ریاست جمهوری دارند از همین الان می توانند در جریان این برنامه قرار گیرند و از جزئیات آن مطلع باشند. به همین ترتیب نکاتی که در ذهن دارند، تغییراتی که لازم می دانند و اصلاحاتی را که به نظرشان می رسد آماده می کنند. به عبارتی برنامه ای که دولت فعلی می نویسد شاید توسط دولت بعد زیر و رو شود اما در عین حال نقطه عزیمتی است برای آن برنامه نهایی و همین کار باعث جلو افتادن بسیاری از فرآیندها می شود**

سیاست خارجی، بخش مهمی از اقتصاد ماقفل بوده و خواهد بود. باین حال در همین شرایط هم این دولت، یک دولت بدون کارنامه نیست. مثلاً در بحث گازرسانی اتفاقات خیلی خوبی افتاد. درخصوص حقوق معلمان قدم های قابل توجهی برداشته شد. یاد بخش مستمندان و مستمری بگیران بهزیستی و کمیته امداد یک جهش در پرداخت ها را داشتیم. در همین بحث بورس یک اتفاق تاریخی افتاد که البته نیاز به مطالعه مستمر و همینطور حفاظت دائم دارد که دچار حباب و آسیب های اینچنینی نشود. در حوزه فضای مجازی و ارتباطات هم به نظرم این دولت حرف هایی برای زدن داشت. ببینید مسأله این است که یکی دولت و حتی شخص آقای روحانی مشکل ارتباطات دارند و نمی توانند خوب رابطه بگیرند با جامعه و به همین دلیل برخی وقت ها احساس می شود که در خلأ صحبت می کنند. یکی هم اینکه احساس می شود به شکل سازماندهی شده برای خراب شدن دولت بوده صرف می شود. از خارج هم حمله روی این دولت زیاد است و طبیعتاً دستاوردش را می گویند تا بگویند اصلاحات، مسیر اعتدالی و انتخابات در این نظام فایده ندارد. این عوامل روی تصویر این دولت در افکار عمومی تأثیر منفی گذاشته است.

### همینطور بسیاری از افشار چشم انتظار اقداماتی هستند که برخی تغییرات سریع را ایجاد کند. آیا در این یک سال امکان و زمینه چنین اقداماتی فراهم است؟

به نظر من کاری که می تواند در این شرایط جواب فوری بدهد همین بحث اجرای قانون ساختار رفاه و تأمین اجتماعی است. بقیه کارها به نظرم کلان تر و اساسی تر است و به عمر این دولت نمی رسد. اگر به من بگویند برای این سال اولویت تعیین کنم قطعاً موردی را که گفتم در اولویت قرار می دهم. چون ناظر به قشری است که شدیداً آسیب پذیر شده و آمارش هم در حال افزایش است. وضعیت مانند خانواده ای است که در آن چند فرزند هستند؛ یکی می خواهد ازدواج کند، یکی محصل است، یکی برای کاری نیاز به پول دارد و یکی هم مریض است. مشخص است که اولویت پدر این خانواده رسیدگی به فرزند مریض است. ما الان به لحاظ منابع و زمان اینقدر توانمندی نداریم که به همه چیز رسیدگی شود بنابراین باید نظام لایه بندی رفاه اجتماعی اجرایی شود. برای مستمندان کمیته امداد و بهزیستی کارهایی انجام می دهند، معلمان و کارمندان هم یک اضافه حقوقی داشتند و فعلاً می توانند خودشان را نجات بدهند.